

عنوان مقاله:

بررسی و شناخت آثار تفکر انتقادی با مذاقه در نظریه های یادگیری همسو با آن و رابطه با سبک حل مسئله در دانش آموزان تیز هوش

محل انتشار:

فصلنامه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، دوره 5، شماره 14 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

پدرام خسروی - پژوهشگر و محقق

خلاصه مقاله:

حل مسئله که پیچیده ترین بخش هر عملیات فکری تصور می شود، به عنوان یک روند مهم شناختی تعریف می گردد که محتاج تلفیق و مهارت های بنیادین و معمولی است. حل مسئله وقتی مطرح می شود که یک موجود زنده یا یک سامانه هوش مصنوعی نداند که برای رفتن از یک موقعیت به موقعیت دیگر باید چه مسیری را بپیماید. این نیز خود بخشی از روند یک مسئله بزرگ تر است که یافتن مسئله و شکل دهی مسئله بخشی از آن می باشد. با این وصف باید توجه داشت ایجاد تفکر انتقادی را می توان یکی از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت در سطح جهانی انگاشت که جزء جدایی ناپذیر هر نظام آموزشی است. زیرا در فرایند آموزش باید ضمن تقویت روحیه انتقادپذیری در معلمان، روحیه انتقاد کردن و زمینه بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد. اما متأسفانه مدرسه های امروز عمدتاً به دلیل پیشرفت های علوم و فنون و با توجه به بعضی از رویکردهای روان شناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده اند و از تربیت انسان های متفکر و خلاق فاصله گرفته اند. در حالی که هر نظام آموزشی برای موفق شدن به توانایی افراد خود در تحصیل و تصمیم گیری متفکرانه نیازمند است. از این رو یکی از هدف هایی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد، پرورش توانایی تفکر انتقادی در دانش آموزان است.

کلمات کلیدی:

تفکر انتقادی، دانش آموز، حل مسئله، نظام آموزشی، نظریه شناختی، آموزش و پرورش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1929956>

